

عطف

«بود شد» یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار

یکی از همکاران ما که سال‌هاست در نشریات متعدد از جمله برای همشهری جوان نوشته، یادداشت‌هایش را در قالب یک کتاب به نام «بود شد» منتشر کرده است. کتاب حورا صداقت‌نژاد در قالب چهار بخش با عناوین یک مصیمی خودمانی، خود، خداوند، مرگ و دانش نوشته شده است. صداقت‌نژاد در مقدمه کتاب نوشته: همه ما در آن لحظه‌هایی که با خود خلوت کرده‌ایم، دور از چشم دیگران و فهمیده‌ایم بالاخره روزی باید به ماجرای بزرگ شدنمان سر و سامان بدهیم؛ خیلی از چیزها را به هم بریزیم و خیلی‌ها را دوباره بسازیم. این بار خود خواسته و دل‌خواه، نه آن‌طور که همیشه در گوشمان کرده‌اند، نه مثل مراسمی که سال‌ها نادانسته تکرارش می‌کنیم و حاصل این تکرار نه‌تنها تازگی نیست که خستگی است و دل‌افسردگی.

این کتاب را نشر تناوش با قیمت ۳۴ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر کرده است.

شعر مفتون آمد

«مستقیم تا نرسیده به صبح» نام مجموعه جدید اشعار پید... مفتون امینی است که توسط انتشارات کوله‌پشتی روانه بازار شده است. این مجموعه از آن دسته آثار این شاعر است که هم شعر فارسی دارد و هم شعر آذری و مثل بیشتر آثار این شاعر که در سال‌های پس از انقلاب سروده شده، شامل شعر سپید است. شاعر البته ۱۵ رباعی نو، تعدادی شعر تک‌سطری و یک غزل هم در این مجموعه گنجانده است.

مفتون به ایسنا گفته، تنها غزلی که در این مجموعه گنجانده، «غزل نودسالگی» نام دارد که به اصطلاح پست‌مدرن است و با تمام غزل‌های این شاعر تفاوت دارد. همچنین یکی دو شعر از مجموعه شعرهای تک‌سطری مفتون در این کتاب، مانند ضرب‌المثل است.

مفتون امینی سال گذشته مجموعه شعر ترکی «آبی چای» را منتشر کرده بود.

سفیر لباس همدلی

الهام پایه‌نژاد که در زلزله غرب کشور حضور فعال داشت، بعد از وقوع سیل در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان از مردم و هنرمندان برای کمک به سیل‌زده‌گان دعوت کرده است. هنرآلایین به‌نقل از روابط‌عمومی خانه تئاتر اعلام کرده، پایه‌نژاد به پویش لباس همدلی پیوسته و سمفیر این حرکت خودجوش شده است. این پویش حرکتی خودجوش بوده که از طرف خانه تئاتر با هدف تکریم انسانی هموطنان سیل‌زده در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان طراحی شده و بنا دارد با ارسال لباس نوبه این مناطق گامی در راستای همیاری و همدلی با این عزیزان بردارد. همچنین اقدام اهدایی روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه، مورخ ۲۹ الی ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۸ در عمارت خانه تئاتر واقع در تهران، خیابان سمیه، بعد از تقاطع نجات‌اللهی، پلاک ۲۶، عمارت خانه تئاتر جمع‌آوری خواهد شد.

بررسی آثار انیو موریکونه در نیاوران

نشست پژوهشی موسیقی فیلم بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران اولین برنامه سال جدیدش را به اسطوره زنده موسیقی فیلم انیو موریکونه اختصاص داده و در برنامه‌ای با نام «انیو موریکونه، آهنگسازی چندزبانه» که ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۲۹ فروردین برگزار می‌شود، آثار این هنرمند را تحلیل می‌کند. انیو موریکونه ۹۱ سال پیش در ایتالیا متولد شد. خوب، بد، زشت، به خاطر یک مشت دلار و سپس روزی روزگاری در آمریکا روزی روزگاری در غرب از جمله اولین کارهای او در سینما هستند که صدایی کاملاً جدید و غیرهالیوودی را به علاقه‌مندان سینما معرفی کرده‌اند. موریکونه را می‌توان در کنار جان ویلیامز از آخرین اسطوره‌های زنده موسیقی فیلم نامید.



عکس:

اولی از راست
خبرگزاری فارس
و ۲ عکس بعدی
خبرگزاری مهر

روایت نصیرپور از پرتوهای گاما

زنی همراه دو دخترش زندگی می‌کند و قرار است به یک مراسم در مدرسه بروند که ماجرا آغاز می‌شود. این نمایشی است که مهتاب نصیرپور آن را با نام «اثر پرتوهای گاما بر گل‌های همیشه بهار» در تماشاخانه سپند روی صحنه برده است. تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه فرصت دارید این نمایش را تماشا کنید و ببینید پل زیندل به عنوان نویسنده چطور لایه‌های روانی شخصیت‌ها را ترسیم کرده است.



غم دل تختی با صدای معتمدی

غم دل، قطعه‌ای است که با صدای محمد معتمدی در فیلم غلامرضا تختی به کارگردانی بهرام توکلی شنیده شده و حالا در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. مهر درباره این خبر توضیح داده شعر این قطعه از سروده‌های رهی معیری است و آهنگش را فخری ملک‌پور بر اساس آهنگسازی مرتضی خان محجوبی انجام داده است. این اثر در سکانس پایانی فیلم شنیده می‌شود و حالا در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.



با انتشار عکسی دیگر از یک نماینده مجلس در شرایطی نامتعارف، ساز و کار اخلاق عکاسی در عرصه عمومی را بررسی کرده‌ایم

این خانه خصوصی است؟

عکاس عکس نماینده‌ای که پا روی میز مجلس انداخته به جام جم می‌گوید حریم خصوصی آقای نماینده را نقض نکرده است

رفتارهای غیرمتعارف آنها در مجلس نمی‌تواند به عنوان حریم خصوصی‌شان در نظر گرفته شود. و اتفاقاً همیشه برای ما عکاس‌ها عجیب است که آنها با علم به این‌که مورد رصد واقع می‌شوند چرا باز هم خودداری نمی‌کنند از این‌که کاری نکنند که مورد توجه عکاس‌ها قرار بگیرد. اگر من دوست دارم چنین عکس‌هایی منتشر شود به این دلیل است که آنها دچار بی‌تفاوتی عجیبی نسبت به کار ما هستند و انگار برایشان مهم نیست ما حضور داریم و باید رفتارشان را متناسب با حضور در مکانی رسمی تنظیم کنند.»

او همچنین می‌گوید ضوابط و آیین‌نامه مشخصی برای محدودیت‌های عکاسی از نماینده‌ها در صحن علنی وجود ندارد و این خود عکاس‌ها هستند که اخلاق را رعایت می‌کنند.

از کامیاب مشخصاً درباره عکس تازه‌اش که این قدر سر و صدا به پا کرده می‌پرسم. می‌گوید: «من هیچ‌گاه از لحظه‌ای‌آنی عکس نمی‌گیرم. منتظر نیستم تا لحظه‌ای‌آنی را در شرایطی غیرمتعارف از یک نماینده شکار کنم. ایشان مدت‌ها پیشان را روی میز انداخته بودند و در این رابطه بی‌تفاوت بودند. بنابراین من حریمی را مخدوش نکرده‌ام.»

بالاخره نماینده‌ها وظیفه دارند در جریان همه امور جاری در مجلس قرار بگیرند و نه می‌توانند چرت بزنند، نه با گوشی‌شان بازی کنند و نه کار دیگری.

این عکاس می‌گوید ضوابط مشخصی برای عکاسی از نماینده‌ها در مجلس موجود نیست اما عکاس‌ها خودشان آن‌قدر حرفه‌ای هستند که بتوانند حریم خصوصی را حتی در عرصه عمومی تشخیص بدهند.

عکاس‌ها چطور؟

بین همه عکس‌هایی که در این سال‌ها از شرایط نامتعارف نماینده‌ها در مجلس شورای اسلامی منتشر شده است، چند عکس، حسایی خبرساز شده است. ظاهراً به این دلیل که این عکس‌ها از ثبت لحظه‌ای غیرمتعارف، مثل چرت‌زدن و... فراتر رفته‌اند و به حریم شخصی‌تر نماینده‌ها ورود کرده‌اند. در هر سه عکس که دو فریم از آنها مدتی پیش و یکی هم از دو روز پیش در حال دست‌به‌دست‌شدن است، صفحه گوشی نماینده‌ها در قاب قرار گرفته است؛ این‌که با چه شماره‌ای در حال تماس هستند یا چه عکسی را دارند تماشا می‌کنند. هر چند در عکس سوم، چندان صفحه گوشی قابل رصد و تماشا نیست.

دو روز است عکس یکی از نمایندگان مجلس اسلامی دست‌به‌دست می‌شود؛ او یک پا را روی میز انداخته و به صفحه گوشی تلفن همراهش متمرکز شده است. از این دست عکس‌ها در سال‌های اخیر بسیار دیده‌ایم؛ نماینده‌هایی که چرت می‌زنند، نماینده‌هایی که کفش‌ها را کندند و روی زمین نشستند یا با گوشی‌شان بازی می‌کنند.

بنابراین عکس تازه، حرف جدید برای گفتن ندارد چون بارها و بارها عکس‌هایی از نماینده‌ها در موقعیت‌های نامتعارف شبیه به این منتشر شده است. با این حال، این تصویر هم مثل قبلی‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد حساسیت روزافزون مردم بر مسؤولان مهم‌ترین دلیل توجه مضاعف به چنین تصاویری باشد. ما اما طبعاً در صفحه هنر، به این تحلیل‌ها کاری نداریم؛ ما این ماجرا را از منظر عکاسی و هنرهای تجسمی بررسی خواهیم کرد.

می‌خواهیم بررسییم که آیا عکاس‌ها می‌توانند از همه لحظات نماینده‌های مجلس در صحن علنی تصویر ثبت کنند؟ آیا برای این ماجرا، ساز و کار مشخصی هست؟ اگر قانونی در این باره تدوین نشده، آیا عکاس‌ها حدودی را برای نزدیک‌شدن به لحظات شخصی نماینده‌ها دارند؟ آیا اساساً می‌توان در صحن علنی و در عرصه عمومی به لحظه شخصی و حریم خصوصی قائل بود؟ این جاسعی می‌کنیم به این پرسش‌ها که پیرامون اخلاق عکاسی است، پاسخ‌هایی بدهیم.

نماینده‌ها حق دارند؟

بدیهی است عکاس‌ها حق دارند از نماینده‌های مجلس در صحن علنی عکس بگیرند. اگر نگیرند پس آنجا چه می‌کنند؟ با این حال، این رویه در دسرهایی برای نماینده‌ها ایجاد کرده و چه بسا برخی از آنها چشم‌دین هیچ عکاسی را نداشته باشند. حضور آنها در جلسات علنی مجلس شورای



صابر محمدی

ادبیات و هنر



عکس

مریم کامیاب

از نماینده‌ای که

در مجلس

پا روی میز انداخته

از خروجی

خبرگزاری مهر

حذف شده است.

ما با او درباره

این عکس

گفت‌وگو کرده‌ایم

۴ ترجمه منتشر نشده از برنده جایزه گنکور، در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود

برگزیده‌های گنکور در نمایشگاه کتاب تهران

چهار کتاب با عنوان‌های «نبرد»، «برف می‌بارید»، «غایب»

و «گرچه چکمه‌پوش»، رویدادهای تاریخی مربوط به دوران ناپلئون را به نحوی رمان‌گونه نقل می‌کند و در هر یک از آنها شخصیتی ثانوی می‌آفریند تا بتواند ناپلئون و نزدیکانش را نشان دهد. سال ۱۹۹۷، رمان نبرد علاوه بر جایزه گنکور، برنده جایزه بزرگ رمان آکادمی فرانسه هم شد و «نبرد» به نوعی مهم‌ترین اثر پاتریک رامبو به‌شمار می‌رود. شاید سطر نخست رمان تاحدی نشان دهد با چه اثر تاثیرگذاری روبه‌رو هستیم؛ «ناپلئون بی‌رنگ بود، پوست تقریباً شفاف، چهره صاف و عاری از احساسی مجسمه‌ای ناتمام را داشت.» رمان «سه زن توانمند»، شامل روایت مستقل سه زن است؛ نورا، فانتا، کادی که هریک به شیوه خود، سرنوشتش را میان فرانسه و داکاری پی می‌گیرد و با وجود همه ترس‌ها و تردیدها و نگرانی‌ها، در برابر آنچه که شرایط تحقیرآمیز زندگی بر او تحمیل می‌کند، برای حفظ شرافتش

چهار رمان که در دوره‌های مختلف برنده جایزه گنکور شده و در ایران به فارسی منتشر نشده بودند. در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شوند. نشر نیماژ این خبر را منتشر کرده و توضیح داده که «نبرد» نوشته پاتریک (رامبو با ترجمه قاسم صنعوی (برنده گنکور ۱۹۹۷)، «سه زن توانمند» نوشته ماری‌آندریا با ترجمه مرضیه کردیچه (گنکور ۲۰۰۹)، «ردپای خدا» نوشته مکسانس ون درمرش با ترجمه نگرس کریمی (گنکور ۱۹۳۶) و «شکارچی صفر» نوشته پاسبال ژزو با ترجمه راحله قاضی (گنکور ۱۹۹۶) به فارسی برگردانده شده‌اند

و امسال در نمایشگاه کتاب تهران در غرفه نشر نیماژ به مخاطبان عرضه می‌شوند.

پاتریک رامبو، نویسنده فرانسوی متولد نویی سور سن،

در دانشگاه نانت، ادبیات مدرن خواند و قبل از نوشتن

رمان هایش، سال‌ها به روزنامه‌نگاری پرداخت. او در

می‌چنگد. رمان «ردپای خدا»، داستان زندگی کارلینا،

دختری روستایی را روایت می‌کند که در یک روستا در بلژیک حوالی رودخانه لیس زندگی می‌کند. کارلینا به ناچار با مردی خشن ازدواج می‌کند که پس از مدتی به علت قاچاق به زندان می‌افتد. پس از این اتفاق کارلینا نزد شوهرخاله‌اش وان برگن دومیسین می‌رود که نویسنده معروفی است و در شهر آنت وِرب زندگی می‌کند. با این‌که کارلینا در منزل جدید با استقبال گرمی روبه‌رو شده اما ناچار می‌شود نزد شوهرش برگردد و پس از آن داستان‌ها و اتفاقات زیادی در انتظارش است.

«شکارچی صفر»، داستان زندگی لورا کارلسون را روایت می‌کند که پدرش در جنگ جهانی کشته شده اما



مرگ او تازه آغاز ورود شکارچی صفر به زندگی لورا بوده است. شکارچی صفر نام یک هواپیمای شکاری است که خلبانش عمداً خود را به ناو حامل پدر لورا و سایر هم‌زمان آمریکایی‌اش کوبیده. این خلبان‌های ژاپنی که کامیازه نام داشتند می‌دانستند سرنوشتی جز مرگ در انتظارشان نیست اما در مورد لورا همه چیز فرق می‌کند و قصه کامیازه جور دیگری رقم می‌خورد. شکارچی صفر به ظاهر سقوط کرده اما هر روز صبح بر فراز آسمان محل زندگی لورا به پرواز درمی‌آید و خلبانش وارد زندگی لورا می‌شود و به واسطه او جان می‌یابد. لورا و محبوبش برونو به سختی تلاش می‌کنند از پس این جدال ذهنی برآیند و همین جدال است که رمان را جذاب و خواندنی می‌کند.



مرکز پایش‌نگار (ماری‌رامبو)

شرکت پالایش نفت کرمانشاه در نظر دارد، **۵ قلم کالا را با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه مربوطه از طریق سازندگان و یا تامین‌کنندگان ذیصلاح** خریداری نماید.

۱- **نام و نشانی مناقصه‌گزار:** شرکت پالایش نفت کرمانشاه واقع در بلوار شهید دکتر بهشتی، روبروی پارک شاهد، اداره بازرگانی.
تلفن: ۰۸۳-۳۱۶۹۷۵۵۹ و فاکس ۰۸۳-۳۱۶۹۷۵۹۶
۲- **نوع، کمیت و کیفیت کالا:** **خرید ۵ قلم Flange TRJ.** شرح کامل آن در آدرس اینترنتی **www.korc.ir** قید شده است.

آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره مناقصه: RKD-9723842-KM/S-06

خرید ۵ قلم Flange TRJ

۳- **نوع و مبلغ تضمین:** ضمانتنامه معتبر بانکی به مبلغ ۱۴۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد
۴- **محل، زمان و مهلت دریافت اسناد:** اداره بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تا تاریخ ۹۸/۰۲/۲۵
۵- **زمان بازگشایی پیشنهاد فنی:** ۹۸/۰۲/۲۹ و زمان بازگشایی پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۹۸/۰۳/۲۸
۶- **شرکت پالایش نفت کرمانشاه** این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در رد تمام یا تعدادی از پیشنهادات بدون ذکر علت مختار است.

روابط عمومی